

پیامدهای مخرب سیاست امنیتی‌سازی رسانه‌ها

آذر منصوری

گردش آزادانه اطلاعات از جمله شاخص‌های برجسته نظام‌هایی است که بر پایه خواست و اراده شهروندان اداره می‌شود و حکمرانی خود زمینه و بستر لازم را برای تقویت سازوکارهای این مهم فراهم می‌کند. به همین دلیل فعالان این عرصه نیز از مصونیت کامل برخوردارند. در واقع به میزانی که گردش آزادانه اطلاعات برای حکمرانی فرصت و ظرفیت محسوب می‌شود، وجود خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و فعالان مستقل این عرصه نیز یک ضرورت غیرقابل انکار محسوب می‌شود. رسانه در کنار ارکان دیگر جامعه مدنی از یکسو به جوامع کمک می‌کنند تا شهروندان به ایفای نقش خود آگاه شوند و کنشگری به‌موقع داشته باشند و هم به حاکمیت کمک می‌کنند تا سیاست‌گذاری‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کند که تعارض و شکافی بین ساختار نظام و جامعه به وجود نیاید. شاید این تصویری ایده‌آل از یک جامعه توسعه یافته‌ای باشد که لوازم دموکراسی نیز در آن مهیاست. اما به میزانی که نظام‌های مستقر از این تصویر ایده‌آل فاصله بگیرند، نه تنها جامعه مدنی کارکرد خود را از دست خواهد داد، بلکه حکومت نیز ناتوان از حل معضلات و مشکلات جامعه خواهد شد و غایت این ناتوانی به ناکجاآباد خواهد انجامید. روزنامه‌ها و رسانه‌ها و جامعه مدنی داخلی ایران امروز نیز از این قاعده مستثنی نیستند. هر چه برای رسانه‌ها خطوط قرمز بیشتری ترسیم شود و فعالان این رسانه‌ها و خبرنگاران آن نتوانند به مسوولیت حرفه‌ای خود عمل کنند و به دنبال کشف حقیقت نباشند، بر کاستی‌ها، کمبودها و اشتباهات حکمرانی سرپوش گذاشته خواهد شد و روزبه‌روز بین آنچه در بطن جامعه و سیاست‌گذاری‌ها و شیوه حکمرانی می‌گذرد، دیواری عظیم‌تر ایجاد خواهد شد. نقد سیاست امنیتی‌سازی از این رو لازم است که اگر نگاه حاکمیت به جامعه مدنی و به خصوص رسانه و منتقدان خود امنیتی باشد، این فرصت به دست خود حاکمیت از ساختار حکمرانی گرفته خواهد شد و طبیعی است که فعالان رسانه نه رمقی برای ادامه فعالیت خواهند داشت و نه مخاطبی که مطالب منتشر شده آنها را دنبال کند و طبیعی است در چنین شرایطی با ضعف رسانه ملی، این

عرصه دودستي به رسانه‌هاي برون‌مرزي واگذار خواهد شد. روزنامه شرق و هم‌ميهن و خبرنگاران آن، نيلوفر حامدي و الهه محمدي سعي کردند در اين برهوت رسانه‌اي کشور به يکي از مسووليت‌هاي حرفه‌اي خود که همانا کشف حقيقت است، عمل کنند و حالا پس از دستگيري با اينکه ۲۳۰ نفر از فعالان رسانه و همکاران آنها در اين دو روزنامه و روزنامه‌هاي مستقل ديگر از اقدام حرفه‌اي آنها پس از مرگ غم‌انگيز مهسا اميني دفاع مي‌کنند، با طرح اتهاماتي در بيانيه مشترک نهادهاي اطلاعاتي کشور همه را حيرت‌زده کردند. آن‌هم در شرايطي که هنوز اين اتهامات آنها در هيچ دادگاه صالحه‌اي اثبات نشده است. متاسفانه سيطره نگاه امنيتي بر رسانه‌هاي داخلي ايران دست‌اندرکاران آنها را آنچنان در مضيقه قرار مي‌دهد که عطاي کار را به لقاي آن مي‌بخشند و تيراژ پايين روزنامه‌هاي رسمي و تعطيلي آنها و درنهايت فقدان امنيت شغلي خبرنگاران نيز يکي از پیامدهاي غلبه رويکرد امنيتي بر رسانه‌هاي داخلي ايران است. با اصرار بر اين رويکرد از جولان دادن رسانه‌هاي برون‌مرزي که نه تنها هيچ پايبندي به منافع ملي ايران ندارند، بلکه مترصد موج سواري به نفع اهداف خود عليه ايران هستند تعجب نکنيد.

از ماست که بر ماست